



## ستایش و یادبود پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در شعر و هنر معاصر بلوچ\*\*

عبدالحکیم سپاهی<sup>۱</sup> ID، محمدرضا تقیه<sup>۲</sup> ID، قاسم سالاری<sup>۳</sup> ID

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اقلید، دانشگاه آزاد اسلامی، اقلید، ایران. hakimsepani@iaueghlid.ac.ir

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اقلید، دانشگاه آزاد اسلامی، اقلید، ایران. taghieh@iaueghlid.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. gsalari@yu.ac.ir

### چکیده

ادبیات و هنر خطه بلوچستان، همچون دیگر مسائل پیرامون مردم این منطقه، مهجور مانده است و علی‌رغم داشتن ویژگی‌های قابل توجه، کم‌تر مورد استقبال و عنایت پژوهشگران قرار دارد. اندک پژوهش‌های پیرامون آن، توسط بلوچ‌زبانان علاقه‌مند، انجام پذیرفته است. اسلوب، مضامین و ساختار اشعار معاصر بلوچی مشابه ادبیات کلاسیک ایران و به‌ویژه ادبیات غنایی قرون چهارم تا هفتم هجری است. عشق و حماسه دو مضمون اصلی سروده‌های بلوچی می‌باشد که به شکل منظومه‌های داستانی، روایت می‌شود. در کنار این مضامین، مسائل دیگری نیز مطرح شده که سروده‌های دینی و اعتقادی و همین‌طور مدح و یادبود پیامبر اسلام و اهل بیت بزرگوار ایشان را در زمره مسائل برجسته این اشعار معرفی کرد. این پژوهش در پی آن است به تبیین و نقد جایگاه پیامبر و اهل بیت در اشعار معاصر بلوچی و چگونگی مدح و منقبت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در شعر شاعران و هنرمندان معاصر بلوچ به روش توصیفی و تحلیلی بپردازد. نتایج تحقیق حاضر بیانگر این می‌باشد که آثار هنری و سروده‌های بلوچی متعددی پیرامون مدح و منقبت پیامبر و اهل بیت وجود دارد و شاعران این سرزمین، نسبت به بزرگان دین اسلام، مشتاق و علاقه‌مند بوده‌اند و در شعرشان، این بزرگواران را به نیکی یاد کرده‌اند.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی ستایش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در شعر معاصر بلوچ.

۲. بررسی مضامین دینی در هنر معاصر بلوچ.

### سؤالات پژوهش:

۱. ستایش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در شعر معاصر بلوچ چه جایگاهی دارد؟

۲. مضامین دینی در هنر معاصر بلوچ چه جایگاهی دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۲۹۴ الی ۳۱۱

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

پیامبر،

اهل بیت،

شعر بلوچی،

ستایش،

مدح.

### ارجاع به این مقاله

سپاهی، عبدالحکیم، تقیه، محمد رضا، سالاری، قاسم. (۱۴۰۲). ستایش و یادبود پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در شعر و هنر معاصر بلوچ. مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۲۹۴-۳۱۱.

 [dorl.net/dor/](http://dorl.net/dor/)

 [dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.20.829.1826](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.20.829.1826)

\*\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری "عبدالحکیم سپاهی" با عنوان "نقد و تحلیل اسلوب و محتوای سروده‌های نودوپنج تن از شاعران معاصر بلوچستان" است که به راهنمایی دکتر "محمدرضا تقیه" در دانشگاه "آزاد اسلامی" واحد "اقلید" ارائه شده است.

## مقدمه

تا اواخر قرن نوزدهم میلادی ادبیات قومی بلوچی غالباً به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد. از آن زمان، پژوهشگران به گردآوری ادبیات شفاهی بلوچها پرداخته و به ثبت و ضبط اشعار و داستان‌های بلوچی همت گماشتند. بلوچها خود از اواسط قرن بیستم به تحقیق و نگارش در زبان و ادبیات خویش پرداختند. آن‌ها آثار ادبی فراوانی را گردآوری و چاپ و منتشر کرده‌اند. شاعران بلوچ دریافته بودند که می‌توانند با روایت حوادث و بیان میراث قومی مردم بلوچستان به صورت شعر، به جذابیت و ماندگاری آن‌ها کمک کنند و خود را در انتقال فرهنگی این قوم از یک نسل به نسل دیگر سهیم سازند. به عبارت دیگر، «شاعران تلاش می‌کردند که همه رویدادها را به صورت شعر در بیاورند تا بهتر حفظ شوند و از یادها نروند. بسیاری از دانسته‌های امروز ما، نتیجه همان تلاش، شناخت و احساس شاعران دوران گذشته است که به صورت شعر از آن‌ها باقی مانده است. تعداد زیادی از اولین شاعران بلوچ آثاری از آن‌ها باقی مانده است. به مالاها معروف هستند زیرا مالاها بودند که با همان سواد مختصر خود بخشی از آثار خود را مکتوب کرده و از خطر نابودی نجات دادند» (محمودزهی، ۱۳۹۲: ۳۸). بدون شک، ستایش و مدح یک الگوی رفتاری فطری در انسان است؛ انسان فطرتاً و بدون آموختن، از چیزی که آن را زیبا می‌فهمد، احساس لذت و سرور کرده و زبان به ستایش و مدح آن می‌گشاید.

توصیف و بیان فضیلت‌های بندگان وارسته الهی، که هدایت‌گران و اسوه‌های پرشکوه بشریت‌اند، چه در زمان حیات و چه پس از مرگشان، یکی از وظایف برجسته مؤمنان و از جمله آموزه‌های تربیتی و انسان‌ساز در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام به‌شمار می‌رود. قوم بلوچ، با بهره‌بردن از مهم‌ترین ابزارهای احساسی و عاطفی یعنی ادبیات، آن‌هم در قالب شعر که نقطه اوج بیان احساس است، برای نشر دیدگاه‌های مذهبی خود بهره بردند. از جمله شاعرانی که به ستایش و یادبود پیامبر و اهل بیت پرداخته‌اند، می‌توان به مولوی عبدالله روانبد، تاج محمد بزرگ‌زاده، چراغ آسکانی، خدارحم شکل‌زهی، سید عبدالرئوف سیدزاده، عید محمد شلهی بر، عبدالرحمن حواشی و... اشاره کرد. شاعران بلوچ پارسی‌گو از بارزترین نمودهای پیشرفت اخلاقی و روحانی است که در کنار پرداختن آن به مسائل دینی که وظیفه هر فرد دین‌داری است. از زوایای مختلف قابل ارزیابی و نگرش است و حوزه وسیعی را دربر می‌گیرد که پرداختن به هر مورد، جزئی از این دریای بیکران مستلزم تلاش وافر و ریزبین موشکافانه است. سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران قرار دارد و متشکل از دو منطقه: سیستان و بلوچستان است. در هنر این منطقه نیز تزئینات و شکل‌های بسیار متنوعی وجود دارد. بارزترین آن‌ها را می‌توان در سفال، سوزن‌دوزی و زیورآلات و نقاشی مشاهده کرد. عوامل مختلف طبیعی و فرهنگی و تاریخی باعث شکل‌گیری رنگ و فرم و مضمون در تزئینات هنری این منطقه شده است. هنرمندان این دو منطقه در تزئینات آثار خود خصوصیات و کیفیت‌های بصری را رعایت کرده‌اند. بررسی مضامین مذهبی مربوط به پیامبر (ص) و ائمه (ع) از مسائل مورد بررسی در این پژوهش است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است، این مسائل مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

## ۱. ستایش پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در آثار شاعران معاصر بلوچ

### ۱.۱. تاج محمد بزرگ زاده

تاج محمد بزرگ زاده فرزند اسماعیل به روایتی در سال ۱۲۹۶ ه. ش و دارای شهرت «نسکندی» منسوب به مسقط الرأس خویش است. او به علت علاقه به مسائل مذهبی، به علوم دینی روی آورد و تحصیلاتش را در «سجاول سند» و «مظهرالعلوم کهد» کراچی پاکستان به پایان رسانده است. وی که از علمای باسواد، بانفوذ و تراز اول بلوچستان هست، در سال ۱۳۶۱ ه. ق، جهت تکمیل تحصیلات خویش، به هندوستان مسافرت کرد و در سال ۱۳۶۳ ه. ق، از «دارالعلوم دیوبند» فارغ التحصیل گردید. پس از اتمام تحصیلاتش در هندوستان به موطن اصلی خویش بازگشته و به تبلیغ و تعلیم نونهالان و نوجوانان بلوچ می پردازد. در حال حاضر، تعداد زیادی از مولوی های بلوچستان، از شاگردان این بزرگوار هستند وی دارای تألیفاتی است از جمله: ۱- معراج جسمانی حضرت محمد (ص)؛ ۲- رشحات در مسائل زکوه؛ ۳- راه نجات ... و در بعضی از تألیفاتش به تناسب موضوع از سرودن شعر نیز استفاده کرده است.

یکی از سروده های او با عنوان زائر مدینه به ستایش و یادبود حضرت پیامبر پرداخته است:

#### زائر مدینه

چون تو زحج فارغ شدی سوی مدینه رو شتاب  
از فیض و خوشبوی درت شهر و بیابان پر شدند  
آفاق و انفس بهره ور، افلاک و انجم بهره ور  
بسیار عصیان کرده ایم، عذر گناه آورده ایم  
نوری دمید از آمنه، روشن قصور شام شد  
هر چند نظر را تاختیم، در شرق و غرب و در شمال  
آدم به این عز و جلال، از بهر تو مغفور شد  
موسی کلیم الله جان، با آنکه دارد علو شأن  
تازه نگاهت گر کنی بر گنبد خضرا نگر  
آخر چو رخصت می شوی با چشم گریان درنگر  
تاجو ز تطویل درگذر دائم کلام کن مختصر  
با آه و نالان اشکبار با درد و با سینه کباب  
دشت و به وادی پر شدند دریا وادی پر شدند  
حظّ و فیر برده بشر، محروم هم نمانده حجر  
بر ما شفاعت خواه باش، امید بر تو بسته ایم  
هم کامل زمین و آسمان، از نور وی تابان شد  
در کل آفاق جهان، چون تو نیافتیم در کمال  
حضرت خلیل از نسبت در دو جهان مسرور شد  
کرده تمنا بارها، گش امت بود در جهان  
هرگز نیاید در نظر، جایی از اینجا خوب تر  
با حسرت و افسوس و با سوزش و درد جگر  
محبوب زوصف بالاتر است، چون او نیاید کس دگر  
(جهان تیغ، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۹)

شاعر در مدح پیامبر و اظهار شوق به دیدن شهر ایشان سروده و در این میدان قریحه شعری و ارادت و ایمان خود را به نمایش گذاشت. وی بعد از اتمام اعمال حج (مکه مکرمه) به مدینه زادگاه و مدفن نبی اکرم (ص) توجه خاصی دارد و رفتن به مدینه را با هزاران درد و غم و اندوه به قلم کشیده است. شهر مدینه را به خاطر نبی (ص) شهر خوش بو و معطر معرفی می‌کند؛ چون مدینه محل آرامگاه رسول خدا هست، این شهر به معطر و خوش بویی شهرت یافته است، شاعر به گناهان خویش اعتراف می‌کند و به شفاعت پیامبر (ص) امیدوار و دل بسته است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتی در لحظه وفاتش به فکر شفاعت امتش بود، به جبرئیل امین (ع) فرمود: بگو به خداوند با امت من چه خواهد شد؟ جبرئیل امین رفت و برگشت و عرضه داشت خداوند سلام می‌رساند و می‌فرماید آن قدر از امت خود در روز قیامت شفاعت کن تا خودت راضی شوی. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: «در روز قیامت در موقف شفاعت می‌ایستم و آن قدر گناهکاران را شفاعت می‌کنم که خداوند می‌فرماید: «أرضیت یا محمد» آیا راضی شدی؟ من عرض می‌کنم: «رضیت رضیت» راضی شدم، راضی شدم. در روز قیامت همه انبیاء و مردم می‌گویند: «وانفساه» اما پیامبر رحمت می‌فرماید: «امتی امتی» (کریمی، ۱۳۹۹: ۲۵). مدینه میزبان بزرگ‌ترین شخصیت عالم انسانیت و خاتم انبیاء است. مدینه پایگاه دوم رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم و محل پیدایش امامت صالحین بر روی زمین است. مدینه در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم مصدر مردانگی، تعهد، راستی، صداقت، فضیلت و کرامت بوده است.

صاحب نظرانی که با ادبیات جهان اسلام آشنا هستند و ادبیات زبان‌های مختلف ملل اسلامی را مطالعه کرده‌اند و از ذوق شعری برخوردارند، به خوبی می‌دانند که زبان فارسی در میدان مداخل نبوی از دیگر زبان‌ها گوی سبقت برده و از این نظر غنی‌ترین زبان است (ندوی، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

## ۱.۲. چراغ آسکانی

چراغ آسکانی فرزند شمس‌الدین در دهم تیرماه سال ۱۳۶۱ ه. ش در روستای کهیری از دهستان باهوکلالت بخش دشتیاری از توابع شهرستان چابهار در خانواده‌ای علمی و مذهبی و اهل دین و عرفان چشم به جهان گشود. او از نوادگان سید ملا ابراهیم ملازهی فرزند سید آخوند حافظ حسن ملازهی و نسب مادریش به ملا اسماعیل فرزند ملا ابراهیم فرزند ملا حافظ حسن ملازهی بن مراد جالقی کلگانی می‌رسد، نسب پدری وی از طوایف آسکانی و رند و بهرام زهی است. مقطع ابتدایی و راهنمایی را در روستای درگس و همزمان جهت فراگیری علوم دینی وارد مدرسه دینی شد.

نبوغ و استعداد شعری وی در دوره متوسطه در سن نوجوانی آغاز می‌گردد، با توجه به شور و علاقه‌ای که به شعر سرودن داشت نزد اساتیدی همچون ملا محمد نورپسند (ره) معروف به ملک الشعرا بلوچستان، ملا محمد روانبد، مولا محمد و ملا عبدالمجید روانبد، ملا درمحمد ملازهی (ره)، عبدالناصر پسند و حافظ دوران استاد طارق پسند کسب فیض نموده است... وی علاوه بر شاعری نوازندگی موسیقی و خوانندگی را محضر استادانی همانند: قادر داد آسکانی

(ره)، غلام قادر رحمانی و استاد پهلوان رسول بخش زنگشاهی، استاد پهلوان علی محمد بلوچ چابهارى فراگرفته است. وی با پشتکاری تمام این هنر بارزش بلوچستان را که تنها خواننده موسیقی حماسی استان است مشغول است.

آسکانی تألیفات زیادی دارد که مهم‌ترین آثار ادبی وی عبارت‌اند:

۱- چراغ فروزان مجموعه‌ای اشعار فارسی دفتر نخست؛

۲- دیوان بلوچی؛

۳- فرهنگ چراغ (لبزانیکی) زبان بلوچی؛

۴- حقیقت کربلا؛

۵- فاطمه مرضیه (س)؛

۶- کلیات اشعار بلوچی آخوند ملا ابراهیم (ره)؛

۷- کلیات بلوچی ملا بهرام بن ملاحسن ملازهی برادر ملا ابراهیم؛

۸- کلیات بلوچی ملادر محمد ملازهی (ره) چراغانی نوه‌ای ملا ابراهیم (ره).

### وصف رسول الله (ص)

ای رحمت خلق و خیر موجود	ای منبع خلق و مظهر جود
از جانب خالق دو عالم	ای روز سفیر عشق موجود
کردی تو جهان بی بقا را	از برکت نور پاک و آسود
لرزید فراش و کاخ جمشید	گردید جدش تار و هم بود
دادی زکمال پاک نازت	مهری که همه شدند خشنود
الحق که تو گشته‌ای چو مأمور	ای شافع روز حسرت و سود
آوردی برای کل عالم	نوری که کریم داد و خود بود
ادیان قدیم گشته منسوخ	از خیر توای رسول محمود
شاه عربی تو نور خلقی	در شأن تو رب پاک فرمود
محبوب منی تو شاه خاتم	عشقم که تویی چراغ و مقصود
از خلق جهان تو را گزیدم	محبوب منی و یار معبود

(تحقیقات میدانی)

حمد و سپاس خداوند و وصف پیامبر اکرم (ص)، زینت‌بخش دیوان اکثر قریب به اتفاق شاعران بلوچ است. آسکانی نیز از جمله این شاعران است و عشق محمدی (ص) در اشعار او خصوصاً در غزل وی هست. غزلیات و سخنان او برخاسته از اصالت فکر و استقلال رأی و استنباط‌های عرفانی اوست. ایشان هر دم بوسه بر دامان انبیاء می‌زند؛ از جمله زیباترین و پرشکوه‌ترین فرازهای غزل وی وصف و مدح سردار دو عالم که موجب خیر و برکت برای همهٔ مسلمین جهان، که به برکت نورش جهان را روشن و منور کرده است. او در این شعر از پیامبر (ص) که به سعادت شفاعت وی نائل آید و روز قیامت به سبب گناهان، پیش جهانیان رسوا نباشد، چون پیامبر شافی مسلمانان در روز قیامت است. پیامبر اکرم (ص) برگزیده از بهترین خلایق است وی در شعر خود می‌گوید پیامبر به انگشتان خود قلم بر نگرفت اما علومی را به ثبت رسانید که قلم‌های تاریخی از نوشتن آن عاجزند و به هیچ صحرايي قدم ننهاد مگر آنکه آن را به گلستانی تبدیل کرد. رحمت و رفعت پیامبر اعظم (ص) تجلی رحمت و رأفت بیکران الهی است که در دنیا و آخرت نصیب افراد می‌شود پرتویی از نعمت‌الهی است (کریمی، ۱۳۹۹: ۲۳).

او در این شعر خود داستان آن انقلاب بزرگ را خلاصه کرده است که در تاریخ ادیان و اخلاق و در عرصه‌های علوم و آداب، در جهان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و مفاهیم و ارزش‌ها از تمام انقلاب‌های قدیم و جدید برتری دارد.

«چگونه این معجزهٔ شگفت‌آور توسط یک فرد آمدی که حتی یک روز هم به مکتب نرفته و یک سطر خط ننوشته است انجام گرفت، و چگونه عصر جدیدی را آغاز کرد که برای همیشه جاودان و پایدار ماند، و چگونه این دریای بی‌کران علم و دانش را به‌وجود آورد» (ندوی، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

«بیت چهارم این شعر:

لرزيد فراش و کاخ جمشيد      گردید جدش تار و هم پود

اشاره به غزل کریم السجایا جمیل الشیم سعدی (رح) در بوستان غزلیات است که می‌گوید:

چو صیتش در افواه دنیا فتاد      تزلزل در ایوان کسری فتاد

و همچنین در بیت ششم اشاره به خوی‌های نیک و عادات پسندیده پیامبر خدا دارد و ایشان را بر امت شفاعت‌کنندهٔ روز قیامت معرفی می‌نماید» (رزمجو، ۱۳۶۳: ۴).

«در بیت هشتم؛

ادیان قدیم گشته منسوخ      از خیر توای رسول محمود

باز هم برگرفته از غزل شیخ سعدی (رح) در غزل کریم السجایا جمیل الشیم است که می‌گوید:

یتیمی که ناکرده قرآن درست      کتب خانهٔ چند ملت بشست

یتیمی که هنوز قرآن را کامل نکرده بود، مذاهب و ادیان بسیاری را منسوخ و بی اعتبار کرد. حضرت رسول اکرم (ص) پیشوای پیامبران و راهنمای دین الهی است. او امانت دار دین خدا، و وجود پاکش مایه خیر و برکت مسلمانان است.

### ۱.۳. خدارحم شکل زهی

وی در سال ۱۳۲۶ ه. ش در شهرستان ایرانشهر به دنیا آمد و پس از اخذ مدرک دیپلم در سال ۱۳۴۹ ه. ش به استخدام بانک کشاورزی درآمد و در شهرستان‌های سراوان، ایرانشهر و زاهدان خدمت نمود. در سال ۱۳۶۵ ه. ش خود را باز خرید کرد و در همان سال‌ها دروس مذهبی را نزد ائمه جمعه و جماعت مساجد فراگرفت و ترجمه حدیث را نزد مولوی عبدالحکیم عثمانی در دارالعلوم مکی زاهدان تلمذ نمود.

خدارحم شکل زهی، شعر و شاعری را با شاگردی مولانا عبدالله روانبد شروع و موفقیت‌های زیادی را در این راه کسب کرد. دو دیوان شعر بلوچی و فارسی وی آماده چاپ و مجموعه اشعار وی نیز به چاپ رسیده است. او در حال حاضر عضو مجمع صنفی زرگران زاهدان است.

نمونه‌ای از اشعار وی:

#### بلوچم

بلوچم	من	بلوچ	آریائی	وطن	ایران	و	دینم	مصطفائی
همه	صدق	و	صفاست،	آئین	و	قومم	همه	آزادگی
شدم	مشهور	در	مهمان‌نوازی	به	والا	همتی	و	سرفرازی
به	بی	باکی،	دلیری،	جنگجویی	جوانمردی،	جسوری،	ترکتازی	

(جهان تیغ: ۱۳۸۴: ۱۵)

شاعر در مصراع اول غزلش به وصف بلوچ و بلوچ بودنش شعرش را آغاز می‌کند؛ و در مصراع دوم (بیت اول) به طور خلاصه اردات و محبت خویش را نسبت به رسول عربی (ص)، و مفتخر بودن به دین اسلام، دین صدق و راستی، آزادی و آزادگی می‌پردازد و همچنین مهمان‌نوازی قوم بلوچ را که زبازد عام و خاص هست تشریح می‌کند. وفای به عهد یکی از موضوعات بسیار مهم در آموزه‌های اسلامی است که در میان بلوچ‌ها بسیار مورد اهتمام است. چنانچه بلوچ به کسی قول بدهد، نباید هیچ‌گاه به قول خود بی‌تعهد باشد.

وفای به عهد به حدی در میان بلوچ اهمیت دارد که به ضرب المثل تبدیل شده است: «سَرُن بروت بله قولن مروت» یعنی حاضرم که سرم از تنم جدا شود اما بدقولی نکنم و اما در رسم مهمان دوستی مهمان‌نوازی یکی از صفات پسندیده و خصایص نیکوی انسانی است که در شرع مقدس اسلام به آن بسیار سفارش شده این مسئله به حدی در ایران زمین دارای اهمیت و اهتمام است که به یکی از خصایص ملی تبدیل شده و ایرانیان شهره به مهمان‌نوازی گردیده‌اند (باقری چوکامی، ۱۳۹۱: ۷۳). در بیت آخر هم به دلیری قوم بلوچ شاید هم به خاطر متون ادبی بازمانده از گذشته است که در

بردارنده رویدادهای جنگی بلوچ‌هاست و متون بازمانده محتویات دیگر شعرش را به اتمام رسانده است (محمودزهی، ۱۳۹۲: ۱۸۵). بلوچ‌ها جنگ و مبارزه را میراث پدران و توشه سال خود می‌دانستند. از آن جهت که گذشتگان با ایستادگی در مقابل دشمنان، از مال و حیثیت خود دفاع کرده و آن‌ها را با شکوه و افتخار به نسل‌های کنونی سپرده‌اند (همو، ۱۳۹۱: ۷۰).

#### ۱،۴. سید عبدالرئوف سیدزاده

دُر محمد سیدزاده معروف به سید عبدالرئوف در هفتم تیرماه ۱۳۰۴ ه. ش در خانواده سید صاحب کمال بنام سید یحیی در روستای ناهیچ دهک سراوان چشم به جهان گشود. در خونه پدریش تحت تعالیم مذهبی و عرفانی قرار گرفت. وی از آنجاکه تشنه عرفان و معنویت بود با راهنمایی و ارشاد پدرش سید یحیی که از عارفان و پیران طریقت نقشبندیه بود زنجیر وار از پدران خویش آن‌ها را فراگرفت.

سید عبدالرئوف از نوادگان معاصر خواجه مرشد است وی نیز از شاعران توانایی هستند از وی غزل‌های عرفانی زیبایی به یادگار مانده است که مضمون بیشتر اشعار وی غزل‌های عرفانی، در مدح پیامبر و اهل بیت است. دیوان شعرش در سال ۱۳۸۲ تحت عنوان دیوان رئوف به چاپ رسیده است.

نمونه‌ای از اشعار وی:

#### ای بلبل شیرین کلامم

الا	ای	بلبل	شیرین	کلامم	علیک	از	نار	برگو	این	سلامم
از	آن	مُلک	توای	سردار	مگر	باد	صبا	آرد	پیامم	
محمد	مصطفی	(ص)	عصر	زمانه	کمینم	حلقه	در	گوشم	غلامم	
زجمله	خوبریان		انبیایان	فدای	مصطفی	است	جان	فدایم		
شبی	در	خواب	دیدم	روی	همان	شب	زندگی	باشد	حرامم	
نسیم	از	جانب	دلدار	آمد	رسیده	بوی	مُشک	اندر	مُشامم	
به	قصد	دشمنان	دین	احمد	کشیدم	تیغ	غیرت	از	نیامم	
بخورد	عبدالرئوف	هم	جام	عشقت	زجام	شهد،	شیرین	گشت	کلامم	

(دهواری، ۱۳۹۶)

شاعر در این اشعار ارزش‌ها و اصول بنیادی زندگی امت اسلامی را برمی‌شمارد و چون از پیامبر یاد می‌کند، قریحه شعری او طغیان کرده است. بی‌ساخته زبانش به مدح و ثنای آن حضرت جریان می‌یابد و ابیاتی می‌سراید که از بهترین مدیحه‌سرایی‌های اشعار وجدانی عاطفی شاعر به‌شمار می‌آید.



سیدزاده آن چنان غرق عشق پیامبر شده که در بیت دوم می‌گوید: «فقط نسیم صبحگاهی قادر به آوردن سلام و پیام بنده است». شاعر بیشتر از تمام بخش‌های زندگی پیامبر (ص) به ماجرای خواب دیدن رسول شیفته و دل‌بسته شده است.

مداحی و تمجید خداوند از پیامبران بزرگی مانند: ابراهیم خلیل، موسی کلیم، عیسی مسیح، سلیمان، یعقوب، زکریا، یحیی و... و نیز مدح و ثنای انسان‌های برجسته‌ای که پیامبر هم نبودند؛ مانند: اصحاب کهف و رقیم، لقمان حکیم، ذوالقرنین، خضر و... همه بیان‌گر این است مدح و مداحی اگر از انسان‌های وارسته و نسبت به فضائل معنوی و اخلاقی باشد، نه تنها نکوهیده نیست، بلکه امری انسان‌ساز و تربیت‌کننده است؛ شاعر بر همین اساس، به مدح و ستایش پیامبر اسلام که در زمره والامقام‌ترین و برترین انسان‌های تاریخ اخلاق و ایمان است، می‌پردازد تا هم زیبایی‌ها و جلوه‌های ارزش‌مند شخصیت آن‌ها را تکریم و بزرگ‌دارد و هم این الگوی سعادت، هدایت و شایستگی را به بشریت معرفی نماید و راه را برای جامعه‌ای قرآنی و فضیلت‌مدار هموار سازد.

#### ۱.۵. عید محمد شهبلی بر

«عید محمد شهبلی بر» در یکی از روستاهای پشتکوه شهرستان خاش در سال ۱۳۱۸ ه.ش، به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خویش را با فراگیری قرآن مجید و یادگیری برخی از کتب اولیه فقهی در سال ۱۳۴۱ ه.ش، در مکتب‌خانه و مدارس دینی ایرانشهر سپری نمود و از همان زمان سرودن شعر را به گویش بلوچی آغاز نمود و اشعاری نیز به زبان فارسی، اردو عربی سروده است، سپس به استخدام ژاندرمری سابق درآمد و پس از شانزده سال خدمت که یازده سال آن را در خوزستان و پنج سال آخر را در ایرانشهر گذرانده است. حدود هیجده سال قبل وقتی که معاون پاسگاه انتظامی بخش بزمان شهرستان ایرانشهر بود، به‌طور ناگهانی بینایی چشمانش را از دست می‌دهد. در حال حاضر «شهبلی بر» به سرودن شعر اشتغال دارد و اکثر اشعارش که دربارهٔ پیروزی انقلاب اسلامی و مناسبت‌های مختلف آن هست توسط فرزندان مکتوب می‌گردد. تخلص وی در اشعار، نامش «عید محمد» و یا شهرتش «شهبلی بر» هست (جهان‌تیغ، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

وی سرودهای متعددی در توصیف پیامبر و اهل بیت و ذکر منقبت و ستایش آن‌ها دارد. از جمله در شعری به مناسبت تولد حضرت فاطمه که چنین سروده است:

#### میلاد فاطمه زهرا (س)

خدا بر مصطفی امشب طلا و گوهر آورده  
ملائک از سماء تحفه ردای اخضر آورده  
نزول جبرئیل امشب، چه پیغامی به بردارد  
برای بیت پیغمبرگلی بس احمر آورده  
به فکرم بی‌بی کوثر، دگر خاتون جنت را  
ضیاء دیده اسلام، مشک و عنبر آورده  
صدای قمری و بلبل زبستان امین آمد  
نخستین مادر مؤمن، خدیجه دختر آورده

مقام مادر و زن را به گیتی برتری بخشید بزرگی زن و مادر، بلندی مقام آن مبارک باد این هفته، فرشته مژده‌ها دارد چو مصباح الهدی آمد، مبارک باد طاها را بها داد، هانیه، زن را و ارجی روز مادر را چنین گفت «شهرلی بر»، شادم، خدا را شکر می‌گویم

به شأن و فخر این میلاد، نشان کوثر آورده شرافت، عصمت و عفت، هنوز بالاتر آورده به گیتی اسوه زن را امید حیدرآورده نگین سبز فیروزه، سر انگشتر آورده ملک تبریک می‌گوید علی را همسر آورده به احمد دختر و بهر «خمینی» مادرآورده (همان، ۲۱۷)

گام نهادن در مسیر فرهنگ اهل بیت (ع) علاوه بر عزم برخاسته از تعهد و ایثار عشق به خاندان اهل بیت (ع) در قالب هنر از صفات برجسته مومنان راستین است، که حمایت شاعر شهرلی بر نشان از ارادت و ایمان است. سخن از وجود نورانی کوثر آل محمد و ناموس دهر است. آنچه به نظر می‌رسد توجه شاعر نسبت به مقام زن و مظلومیت زن حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها، بیش از میلاد و مدح آن بزرگوار بوده است؛ اما در این گفتار و به مناسبت ایام سراسر روشنی و سرور طلوع بانوی آبها و روشنایی‌ها، بی‌بی کوثر؛ زنی که دارای خیر فراوان و برکات بی شمار است. نگاهی به شعر فاطمی که با محوریت مدح و ثنای حضرت سروده شده است، می‌پردازیم.

حسن مطلع این گفتار، هدیه خداوندی به رسول (ص) است. نمونه شعر الگو و فاخر فاطمی است و لازم است تا شعرا، این شعر را به‌عنوان سند و معیار برای سرودن شعر فاطمی قرار دهند؛ سخن از وجود نورانی کوثر آل محمد برای همه شاعران فرصت مغتنمی بوده است تا از ایشان بگویند و شعرشان را متبرک کنند. حضرت فاطمه (س) جلوه جلال خداوندی و آئینه تمام نمای خصال نبوی و سیره علوی هست. بزرگ آیه‌ای که آیات الهی و روایات نبوی بیانگر شأن و منزلت او و احادیث ائمه معصوم (ع) نشانگر مقام و مرتبت اوست. فاطمه (س) تنها یک شخص نیست، بلکه شخصیتی جاویدان و حقیقتی سیال است که در بستر زمان جاری می‌باشد و زلال فضیلت و کمالی است که بر جویبار اندیشه و ذهن طالبان حقیقت و جویندگان فضیلت روان می‌شود.

قال رسول الله (ص): «إِنَّ فَاطِمَةَ شَجْنَةُ مَتَى يُوذِنِي مَا آذَاهَا وَيَسْرِنِي مَا سَرَّهَا». حضرت رسول (ص) فرمودند: همانا فاطمه شاخه‌ای از من است آنچه او را اذیت کند مرا اذیت می‌کند و آنچه آور مسرور سازد مرا شادمان می‌سازد (یونسیان، ۱۳۷۴: ۷۸).

او نهال برآمده از بوستان نبوت و گل شکفته در گلزار امامت و ولایت است. غنچه‌ای که با نسیم وحی شکوفا شده و در فروغ مهر ولایت بالیده است. این حقیقت پیامبرگون از دیرباز مورد توجه ادیبان و سخنوران بوده و هر کدام در توان استعداد خود نه درخور شأن او بر آن دیوان پاک نبوی شرح‌ها نوشته و تعلیقات پرداخته‌اند.

بدیهی است که انواع هنر، از جمله هنر شعر در ترسیم چهره‌ها و بیان خصایص شخصیت‌ها سهمی بزرگ و تأثیری شگرف دارد و همین هنرمندان هستند که با خلاقیت خویش نام و اثر انسانی را جاودانه ساخته و فضیلت و کمال او را به تفصیل بیان می‌دارد؛ هرچند که گاهی شخصیتی قابل تعریف و تصویر نیست؛ چراکه از کثرت بلندی مراتب و والائی کمالات، هنر نیز در برابر او از شرح و بیان عاجز می‌ماند و عظمت بیش از حد او را بر نمی‌تابد. با این وجود عشق و ایمان، و علاقه و اعتقاد دست از دامن پر عاطفه شاعران بلوچ بر نمی‌دارد و آن‌ها را ملزم می‌سازد تا با همه ناتوانی و عدم بضاعتشان ولی نعمتان خود را بستایند و پرتوی از فروغ تابان آنان را در منظر کمال‌جویان و شخصیت‌شناسان قرار دهند که مهر و محبت حضرت زهراء ام‌ابیهایی یکی از آن دامن‌گیران شعرای حق نعمت شناس است که شعرای بلوچ و دیگر شعرای آزاده را بر آن داشته است که هر کدام در حدّ وسیع خویش به دخت گرامی حضرت ختمی مرتبت ابراز عشق و اظهار ارادت کرده و هر یک به زبانی مدح و ثنای آن مجمع کمال گویند. در شأن و عظمت بزرگ بانوی جهان آفرینش که خالق منان در آیات شریفه او را کوثر می‌نامد و پیامبر گرامی او را ام‌ابیهایی می‌داند چه می‌توان گفت که در خور او باشد با این وجود شعرای دوستدار اهل بیت نیز هر جا که توانستند ابراز عشق و اظهار ارادت کرده‌اند.

از علی‌بن‌ابی‌طالب (ع) نقل شده است که فرمود: از رسول خدا پرسیدم کدام‌یک از ما نزد شما محبوب‌تر است، من یا فاطمه؟ فرمود: «فاطمه أحبّ الی منک و أنت أعزّ علی منها» (ابن‌اثیر جزری، ۱۴۱۵: ۲/۱۸۷). نزد من فاطمه محبوب‌تر است و تو عزیزتری. ابن‌عباس نقل کرده است که هرگاه پیامبر از سفر باز می‌گشت، به دیدار دخترش فاطمه می‌رفت (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۵: ۴/۴۴۹).

طبرانی به سند خود از امیرالمؤمنین (ع) روایت می‌کند که فرمود: رسول خدا (ص) به فاطمه فرمود: «انّ الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک»، (خداوند با خشم تو خشمناک و از رضایت تو خشنود می‌گردد) (طبرانی، ۱۴۰۴: ۲/۴۰۲).

ابن‌عباس و دیگران نقل کرده‌اند که رسول خدا (ص) چهار خط بر روی زمین کشید و فرمود: آیا می‌دانید که این خطوط چیست؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. سپس فرمود: برترین زنان بهشت خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم هستند. رسول خدا (ص) با عباراتی شبیه این گفتار فاطمه (س) و مادر گرامی‌اش خدیجه کبری (س) را ستوده است. از جمله فرموده است: «حسبک من نساء العالمین مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه» بهترین زنان عالم، مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه هستند. «سيدات نساء أهل الجنة أربع: مریم و فاطمه و خدیجه و آسیه»، سرور زنان بهشت چهار تن هستند: مریم، فاطمه، خدیجه و آسیه، «خیر نساء العالمین أربع: مریم بنت عمران، آسیه بنت مزاحم، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد» (بهترین زنان بهشت چهار تن می‌باشند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد) (عسقلانی، ۱۴۱۵: ۸/۲۶۴).

رسول خدا (ص) بارها با عباراتی نظیر یکدیگر فرمود: فاطمه پاره تن من و نور دیده من و میوه قلب من است؛ هر که به او بدی کند، به من بدی کرده و هر که او را مسرور گرداند، مرا شاد کرده است. او اولین فرد از خاندان من است که به من ملحق می‌شود. ایشان درباره فاطمه و همسر و فرزندان فرمود: بار خدایا می‌دانی که اینان اهل بیت من و

عزیزترین افراد نزد من هستند. پس دوست بدار هر که ایشان را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر که ایشان را دشمن بدارد و یاری فرما هر که ایشان را یاری نماید (کحاله، : ۱۲۵/۴).

بدیهی است که حضرت زهرا (س) برای رسول خدا (ص) بسیار عزیز بود، به همین سبب پیامبر (ص) چیزی به دخترش عطا کرد که برای او مفیدتر از خدمتکار باشد، یک هدیه و کمک معنوی. به تجربه برایمان ثابت شده است که این ذکر خستگی را از انسان می‌زداید و به توان و وقت ما برکت می‌دهد.

## ۱۶. عبدالرحمن حواشی

در مصاحبه ای که با انجمن اهل قلم فردوسی داشت، خودش را اینچنین معرفی می‌کند: «در کویر سیستان و بلوچستان، کنار خاک و باد و شتر کودکی گذرانده‌ام بارها با بوته‌ای خشک که با باد، سر بازی‌گری داشت همبازی و هم فرار بوده‌ام. دوران دانشجویی در شهر بزرگی مثل تهران تأثیر به‌سزایی بر تجربه‌های ما افزود. از دوره دبیرستان با حمایت و راهنمایی یکی از دبیران شعر می‌نوشتم و در سال ۱۳۷۸ اولین اشعار طنز را برای ستون طنز جراید استان می‌نوشتم و بعد در روزنامه‌ها و مجلات کشوری هم ستون طنز داشتم. چندین مقام کشوری و باستانی در جشنواره‌های شعر، طنز را کسب کردم».

مهم‌ترین فعالیت‌های ادبی حواشی عبارت است از:

۱- انجمن شعر و ادب زاهدان؛ ۲- انجمن اهل قلم فردوسی؛ ۳- انجمن ادبیات داستانی؛ ۴- انجمن شعر و ادب دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان؛ ۵- مقالات علمی و پژوهشی در حوزه ادبیات؛ ۶- مقالات در حوزه شعر کودک و همکاری با مجله کودکان در بخش شعر و داستان کودکان و نوجوانان؛ ۷- داور جشنواره‌های ادبی در سطح کشور و استان.

نخستین آثار وی: شعر طنز به زبان فارسی در استان به نام (چهار راه چکن) ایشان یکی از فرهنگیان موفق و درحال حاضر دانشجویی دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی است.

نمونه‌ای از اشعار وی:

### سرور دو عالم (ص)

گذر کرده از سدره المنتهی	گذر کرده از سدره المنتهی	تویی فخر عالم تویی مصطفی	تویی فخر عالم تویی مصطفی
تو نور تجلی تو حبل المتین	تو نور تجلی تو حبل المتین	تو سردار عالم تو عین الیقین	تو سردار عالم تو عین الیقین
ملک در فلک از تو ماند به را	ملک در فلک از تو ماند به را	چو بودی مسافر به عرش خدا	چو بودی مسافر به عرش خدا
مقامت به «محمود» آمد حساب	مقامت به «محمود» آمد حساب	به لولاک پروردگاری خطاب	به لولاک پروردگاری خطاب
همه تیرگیها سحر می‌کنی	همه تیرگیها سحر می‌کنی	به دستی که شق القمر می‌کنی	به دستی که شق القمر می‌کنی
تو را مژده آمدن بار بار	تو را مژده آمدن بار بار	به انجیل و تورات پروردگار	به انجیل و تورات پروردگار
به ماه مبارک به ماه ربیع	به ماه مبارک به ماه ربیع	که با اسم احمد بیاید شفیع	که با اسم احمد بیاید شفیع

خدا یا	شود	روزی	از	روزگار	شوم	سوی	آن	مکات	رهسپار
قدم	در	بیابان	نهم	سوی	تو	سراغ	همان	کوی	تو
خدا یا	نمیرم	در	این	آرزو	به	دیدار	آن	گنبد	و شهر او
بگویم	ز	آن	ملک	دور	آمدم	قلبی	سیاه	سوی	نور آمدم
گدایی	به	دربار	تو	آمد	ز	راهی	به	دیدار	تو آمد
سلام	مرا	کن	قبول	ای	زگنج	معارف	به	قلبم	بریز
تویی	رهبر	دین	تویی	مقتدا	به	خلقت	بود	روح	تو ابتدا

(تحقیقات میدانی)

شخصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم دارای ابعاد وسیع و والایی است که در جهت معنویت به سدره لمنتهی «وَلَقَدْ رَأَهُ نَزَلًا أُخْرَىٰ ۖ عِنْدَ سِدْرِهِ الْمُنْتَهَىٰ» و در پرواز معراجی اش به مقام «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ (نجم، ۹)» رسیده و خداوند بزرگ اخلاق آن حضرت را با تعبیر زیبای «لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (قلم، ۴)» یاد کرده است. شخصیتی که تمام ملک و ملکوت، اماکن و ازمنه به برکت وجود با عظمت او آفریده شده و از ذره تا کرات و انس و جن و ملک از سفره پر برکت آن حضرت، از هستی بهره مند شدند (کریمی، ۱۳۹۹: ۱۹). تصویری که از حضرت رسول درغزل فوق ارائه می‌شود، بیانگر نهایت عشق و ارادت شاعر در حق این مربی و مرشد بزرگ بشریت است. حواشی احوال رسول گرامی اسلام را نمودار کمال مراتب اولیاء و سالکان طریق حق می‌داند.

خلاصه کلام آنکه تصویری که در غزل حواشی از سیمای حضرت محمد (ص) عرضه می‌شود نه فقط متضمن تعظیم و تقدیس فوق‌العاده در حق این سرور کائنات است؛ بلکه در عین حال نهایت عشق و ارادت را در حق این مربی و مرشد هستی که سلسله هدایت نفوس انسانی به جانب حق به وی ختم می‌شود نیز در سراسر این تصویر جلوه بارز دارد. در شاعر و تمامی عرفای مسلمان، پیامبر اسلام نمونه مطلق انسان کامل است و در تمام ادب و عرفان اسلامی به‌ویژه در غزلیات مدح و منقبت رسول خدا است، نشان این محبت و تکریم فوق‌العاده همه‌جا جلوه‌گر است. شاعر پیامبر (ص) را فخر عالم و کسی که از درخت سدرالمنتهی عبور کرده است وی را سردار دو عالم، تجلی نور و همانند کوه استوار معرفی می‌کند.

شاعر از شب معراج وی سخن به زبان می‌آورد که حضرت جبرئیل امین در جایگاه عرش خداوندی همانند پیامبر راه ندارد. و به مقام رسول (محمود همچنین به معجزات پیامبر شق‌القمر کردن ماه) اشاره می‌کند، حتی شاعر بیان می‌کند که اسم و بشارت آمدن رسول در کتاب‌های مقدس تورات و انجیل ذکر شده است و با اسم احمد تو شافع و شفیع امت محمدی (ص) هستید. شاعر بعد از مدح و منقبت رسول خدا آرزوی زیارت سرزمین مکه و بیابان و صحرای داغ و سوزان مکه و شهر مدینه منوره شهری که میزبان آرامگاه رسول خدا را دارد، شاعر خود را فردی عاجز و ناتوان جلوه می‌دهد که از ملکی بسیار دور جهت عرض سلام و زیارت خدمت رسیده است و التماس قبولی دعا و حاجات دارد.

اقبال لاهوری شاعر جهان اسلام و فیلسوف عصر، همه زندگی خود را در محبت پیامبر بزرگ اسلام و آرزوی رسیدن به شهر او سپری کرد او در اشعارش همواره از این دو محبوب یاد می‌کرد. هرگاه نام مدینه را می‌شنید اشک شوق بی‌اختیار از چشمانش جاری می‌شد (ندوی، ۱۳۹۴: ۳۵). او در خیال به مکه و مدینه سفر می‌کند و به همین تصور با کاروان عشق در سرزمین ریگستانی و نرم را می‌پیماید و از شدت اشتیاق و محبت، خیال می‌کند که این ریگ‌ها از ابریشم نرم‌تر است بلکه برایش چنین می‌نماید که هر ذره‌ای این ریگ‌ها، قلبی است تپنده، لذا از ساریان می‌خواهد تا آهسته و آرام راه برود و بر این دل‌های تپنده و دردمند ترحم نماید (همان، ۳۶).

### ۱.۷. عبدالله روانبد

عبدالله روانبد ملقب به سعدی بلوچستان فرزند حاج محمد یحیی روز دوشنبه در ۱۸ شعبان ۱۳۴۵ ه. ق، برابر است با اسفند ۱۳۰۵ (ه ش) در روستای باهوکلالت شهرستان چابهار چشم به جهان گشود. با تولد میمونش نور و سرور وارد کلبه فقیرانه پدر و مادرش شد. پدر مولانا شاعر بلندپایه، قاضی و پیشوای مردم بودند. جد مادری وی ملأ بهرام هم از شاعران پرآوازه بلوچستان بودند (کرد، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

تألیف وی:

- ۱- نظم القواعد و الفوائد: رساله‌ای منظوم درباره قواعد فقه و اصول و فروع آن؛
- ۲- نثر الفرائد: کتابی نسبتاً قطور در ۵۲۷ صفحه در شرح نظم القواعد؛
- ۳- عروج الفرائض (زندگینامه علمای اهل سنت).

این ادیب فرهیخته، سروده‌هایی در ستایش پیامبر اسلام دارد که از جمله می‌توان به این شعر اشاره کرد:

### ندارم پناهی سواى محمد

ندارم	پناهی	سواى	محمد	خوش آن دل که دارد	هوای	محمد
نباشد	مرا	در	دو عالم	پناهی	دلربای	محمد
خداوند	ما	از	ثری تا ثریا	همه	آفرید	از برای
اگر	وی	نبودی،	عالم	نبودی	کس	جز خدای
ز تکوین	انسان	و	تخلیق	مقدم	بود	ابتدای
کی	دارد	مقامی	که دارد	محمد	عرش،	برین گشت
به	روز	قیامت	که سایه	نباشد	سایه	گستر لوای
رضای	خدا	راست	جوینده	هر کس	جوید	رضای
چه	وصف	آید	از خامه	و دست	بنده	خود نموده
				که حق	خود نموده	ثنای

توئی خرمن فیض و من خوشه چینم      روانِ رواند      فدای محمد  
(جهان تیغ، ۱۵۹-۱۶۱)

شاعر جایگاه و شان خاصی برای پیامبر اسلام قائل بوده است. پیامبر (ص) نه تنها در نگاه مولوی عبدالله رواند بلکه در نگاه تمام شعرا، عارفان و متألهان مسلمان جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد. وی هر لحظه تصویر تازه‌ای از رسول خدا (ص) در ذهن و ضمیر مشاهده می‌کند و خویشتن را می‌بیند. او این غزل را یکی از دقایق مهم سلوکی می‌خواند و تأکید می‌کند: بر شأن و مرتبت، تشویق مسلمین و عاشقان نبی مکرمه و نسبت اراده آن‌ها به وی و خاندان طهارت است. بسیاری از عارفان در مراتب سیر و سلوک خود به دیدار حقیقت خود نائل می‌شوند؛ به تعبیر ظریف حافظ: «عکس روی تو چو در آینه‌ی جام افتاد/ صوفی از خنده‌ی می در طمع خام افتاد» (اشرف‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۰۸) و حضرت مولانا رومی در مثنوی معنوی - دفتر اول می‌فرماید: «آن خیالاتی که دام اولیاست/ عکس مَه رویان بستان خداست» (همان، ۲۰۹). اما آن که راه را می‌داند درنگ نمی‌کند و به مسیر خود ادامه می‌دهد. این مسئله نشانگر اهمیت ویژه‌ی پیامبر (ص) نزد رواند و خاندان اوست؛ بنابراین رواند در چنین سنتی روییده و بالیده است. ارادت او به ساحت پیامبر (ص) و با دیدار خداوند که در شب معراج با همراهی حضرت جبرئیل امین (ع) صورت گرفت و به تلویح می‌گوید: قرآن به واسطه‌ی جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شده و مقام پیامبر (ص) بسی ارجمندتر از مقام حضرت آدم (ع) و جبرئیل امین است. به تعبیر بسیار زیبای شیخ سعدی: «رسد آدمی به جایی که جز خدا نبیند/ بنگر تا چه حد است مکان آدمیت»؛ رواند به ظرافت از مقام و مرتبه و جایگاه رسول سخن به زبان آورده است. این شکوه و جلال با نام خاتم پیامبران، محمد مصطفی (ص) به اوج خود می‌رسد.

قرآن کریم بارها افرادی را مورد مدح و ستایش قرار داده است که قرن‌ها پیش از نزول قرآن از دنیا رفته‌اند؛ اگر مدح گذشتگان، به سبب مرگ‌شان، روا نباشد، همه آیاتی که در مدح آن‌ها نازل شده است، لغو خواهد بود! مداحی و ستایش‌گری، چیزی نیست جز بیان خصلت‌های نیک و باورهای پاک توحیدی و نیز تبیین وظایف افراد جامعه با الگوپذیری از بزرگان دین و اولیای الهی؛ زیرا خداوند، رفتار و کردار این افراد را پسندیده و برای همه انسان‌ها روشن ساخته که رضایت من در قبال انجام همین کارهایی است که بندگان وارسته من در طول تاریخ انجام داده‌اند.

مولوی عبدالله رواند هرگاه که از احمد (ص) و خصایل او سخن می‌گوید، گویی که مرغ جاننش در آسمان‌ها پرواز می‌کند و گاه تا بدانجا می‌رسد که سخن نیز یاری بیان احساس او را ندارد. او در انتها غزل فرموده است که بنده جایگاهی در وصف پیامبر ندارم، چون که خود خداوند باری تعالی آنچه را که شایسته و سزاوار نبی بوده وصف نموده است، و من عبدالله رواند خوشه چین خرمن و فیضیات پیامبر (ص) هستم، تن و جانم فدای نام محمد (ص) باشد.

## ۲. هنر معاصر بلوچ

بررسی مضامین مذهبی در هنر معاصر بلوچ حاکی از این است که با توجه به رونق هنرهای چون سفالگری و سوزن دوزی، و قالی بافی، بیشتر مضامین نمادین مذهبی مورد توجه بوده است لذا در این هنرهای سنتی فضای چندانی برای تصویرگری دقیق مضامین مذهبی مانند چهره‌نگاری وجود نداشته است.

الهام‌گیری نقوش سفال‌کلپورگان از طبیعت، باورها و اعتقادات بلوچ در کنار نقوش سوزن‌دوزی که با الهام‌گیری از طبیعت، فرهنگ و باورهای قوم بلوچ شکل می‌گیرد، زمینه‌ساز اشتراکاتی در نقوش این هنرها شده‌اند. از جمله وجوه مشترک این دو هنر، وجود نقوش هندسی با بیانی انتزاعی و نمادین برگرفته از طبیعت و باورهای قوم بلوچ، نقوش ساده و ترکیبی، ساختار مشابه در نام‌گذاری و انتخاب نقوش بر مبنای پدیده‌های طبیعی بلوچستان است. همچنین با مطالعه نقوش سفالگری کلپورگان و سوزن‌دوزی بلوچ به وجود عناصر بصری مشترک مانند تکرار، ریتم، حرکت، نظم و ترکیب‌بندی‌های متقارن برمی‌خوریم که در قالب فرم‌های هندسی و ساختار مشابه، ارتباط میان نقوش این دو هنر را پررنگ‌تر خواهد کرد (نظری، ۱۳۹۳: ۳۱). در خصوص هنر سوزن‌دوزی معاصر بلوچستان باید گفت، سوزن‌دوزی یکی از صنایع دستی و هنرهای سنتی ایرانی است که در استان سیستان و بلوچستان و در میان زنان بلوچ رواج دارد. هنری برخوردار از ظرافت دوخت و تنوع رنگ که بیانگر ذوق، سلیقه، سنت و فرهنگ منطقه بلوچستان است. نقوش تزئینی سوزن‌دوزی بلوچ با تکیه بر اصالت و هویت هنر و فرهنگ این سرزمین، از ساختاری هندسی و منحصر به فرد بهره می‌گیرند، این نقوش که منحصر به دست زنان این منطقه طراحی و نقش‌بندی می‌شود، با الهام از طبیعت بوده و جزء جدایی‌ناپذیر هنر بلوچ محسوب می‌شود. همچنین سفالینه‌های بلوچ، از گذشته تا حال، صرفاً به دست زنان هنرمند این منطقه ساخته می‌شوند و متأثر از باورها و اعتقادات قوم بلوچ، همچنین روان‌زانه هنرمند، دارای فرم‌ها و نقوشی منحصر به فردند که اگر چه در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسند اما از لحاظ تجسمی و بصری دارای ساختاری منسجم بوده و جدا از آن دارای معانی و مفاهیم نمادینی هستند.

## نتیجه‌گیری

شاعران بسیاری برای توصیف خصایل نیکوی پیامبر دست به قلم شده و اشعار زیبا در مدح پیامبر نوشته‌اند. در این بین، شاعران معتقد و متدین بلوچ نیز، همواره ارادت خویش را به حضرت محمد (ص) نشان داده‌اند و سروده‌های زیادی در ستایش و یادبود ایشان برجای گذاشته‌اند. در سروده‌های بلوچی، تصویری که از پیامبر ارائه شده به این شکل است که ایشان، پیامبر صلح و مهربانی، بنیانگذار اسلام و آخرین پیامبر می‌باشد که دین یکتاپرستی را ترویج داد و قرآن معجزه الهی در زمان ایشان اتفاق افتاد که به صورت وحی به ایشان می‌رسید. فضائل و صفات اخلاقی ایشان بسیار گسترده و وسیع است. بسیاری از شاعران بلوچ سعی داشته‌اند تا با سرودن اشعار گوشه‌ای از فضائل آن حضرت را بیان کنند.



شعرای بلوچ در حدّ وسع خویش به ائمه اهل اطهار (ع) و حضرت ختمی مرتبت ابراز عشق و اظهار ارادت کرده و هر یک به زبانی مدح و ثنای آن مجمع کمال را می‌گویند. بسیاری از دانشمندان اهل تسنن درباره حضرت فاطمه زهرا (س) قلم زده‌اند و از مطالب ذکر شده نتیجه می‌شود که همه این دانشمندان و نویسندگان به آن حضرت احترام گذاشته‌اند و مدح‌هایی درباره آن حضرت ثبت کرده‌اند و نتوانسته‌اند بر وجود مبارکش خدشه یا ایرادی وارد کنند، زیرا طهارت و پاکی حضرت زهرا (س) و مقام بالای آن حضرت نزد خداوند و رسول الله (ص) جایی برای ایجاد خدشه به وجود مبارک آن حضرت نگذاشته است. رفتار و احترام پیامبر (ص) نسبت به حضرت فاطمه (س) بارها و بارها در برابر دیدگان بسیاری از اصحاب تکرار شده بود، لذا صدیقه طاهره برتر از آن بود که جز مدح بتوانند چیز دیگری درباره‌اش بگویند.



## منابع و مآخذ:

## کتابها

## قرآن کریم

- اشرفزاده، رضا. (۱۳۸۱). پیغام اهل راز (بخش اول). تهران: انتشارات شابک.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد. (۱۴۱۵). اسدالغابه فی معرفه الصحابه، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. (۱۴۱۵). الاستیعاب فی معرفه الأصباح، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جهان تیغ، غلامحسین. (۱۳۸۱). شعر بلوچ. زاهدان: انتشارات خرم.
- باقری چوکامی، سیامک. (۱۳۹۱). قوم بلوچ. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ناصری نیا، محمدرضا. (۱۳۸۸). شناخت تاریخی بلوچستان. تهران: انتشارات عقیل.
- ندوی، ابوالحسن علی. (۱۳۹۴). به سوی مدینه. مترجم: قاسمی، محمد قاسم و دهقان، عبدالقادر، چاپ چهارم، زاهدان: انتشارات علامه ندوی.
- محمودزهی، موسی. (۱۳۹۱). آئینها، باورها و فرهنگ مردم بلوچستان. تهران: انتشارات آبنوس.
- محمودزهی، موسی. (۱۳۹۲). هنر بلوچستان. انتشارات مشهد: پیام اندیشه.
- کرد، نورالله. (۱۳۸۶). تذکره شاعران معاصر. انتشارات، تهران: پویان فرزندگان.
- کریمی، عبدالغنی. (۱۳۹۹). منقبت پیامبر در شعر بلوچی. همایش سیره نبوی، مدرسه علوم دینی فاروقیه.
- کحاله، عمررضا. (۱۴۰۴). اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام. بیروت: مؤسسه الرساله.
- رمزجو، حسین. (۱۳۶۳). بوستان شیخ اجل سعدی. تهران: انتشارات سپهر چاپ چهارم.
- یونسیان، علی اصغر. (۱۳۷۴). ریحانه النبی (ص). تهران: انتشارات صدر.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۴۰۴). المعجم الکبیر. تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی. (۱۴۱۵). الاصابه فی تمییز الصحابه. تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.

## مقالات

- نظری، امیر؛ زکریایی کرمانی، ایمان و سرارودی، مهنوش. (۱۳۹۳). «مطالعه تطبیقی نقوش سفالینه‌های کلیورگان با نقوش سوزن دوزی بلوچ». مطالعات تطبیقی هنر، دوره ۴، شماره ۸، ۳۱-۴۷.